

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

سیاسی	Political
-------	-----------

داد نورانی
۰۸.۰۶.۰۹

فراستی

اگر دستم ز دستان فراستان بالا بود
وگر این گونه سودا ها
به دوران فراستی
مرا پیدای پیدا بود
سرشت آدمیان را
محبت مایه فرزانه می بستم
به پای ذره ذره هست اینان
مایع گلرنگ صد پیمانه می بستم
همی خشکاندم
باتلاق کین را با شهاب مهر خود

چونان

طراوات موج یکرنگی
شقایق رشته جانانه می بستم
اگردستم فرا می بود
هزاران روزن نورین فرح فر
عقاب سرخ آتشپر
یقه تا دامن شب را طی میکرد
سیاهرگ های حلقوم سیاهی را
پی میکرد
بدین تازیدگان بیمار و اهریمن
بدین عفرتیان خونریز و بی مأمن
که بی تردید از گردونه تاج ساطع فرهنگ
فرو افتاده اند
فرسنگها، فرسنگ
وبا تفخنده

بر نه‌رحیای روزگاران
پل‌بی آبرویی را همی دارند
بنا هر روز
لگد کوبان فرو دستان را مستند
و ریش خلق را دستند
و بر کوچک شگاف آرزوها
درگه و دیوار را بستند
چنین پستند
یکایک را نهیب من
به سوی حلقه‌های دار همی میکرد
اگر دستم فرا می بود
گل‌یخ را
دهان کوچه با فریاد های گرم خود می‌فسرد
ستونی از قفس
در پرتو شور چکاوک
رقص افتیدن بنا میکرد
و صداها اینچنین
در سطرهای خونی تاریخ جا میکرد
ولیکن من
نمی‌خواهم که مهمیز از کفل های
خیالاتم رود بالا
نمی‌خواهم به نعل روزگاران تیز تک پتکی
به سرکش توسن روحم
لگام هست، باید بود را من
میزنم خاموش
نباید دست من اینسان
ترک بر ماه
بگذارد
نباید دست من اینسان
چراغی بر فراز راه
بگذارد
نباید از فراز سرو ها
یک سار
نباید از کویر خار ها یک خار
نباید از تلاش دست ها یک دست
صدا دارد، بسوزد،
یا بکوبد سخت
بر دهان از درآسای سفاک درد

صف جولان
هزاران دست
هزاران مشت
هزاران نور
هزاران تندر خشمینه فریاد
از سکوی ابرهای دور
بدین سان
افق را لاله چیدن خوب
شفق را بر رواق دیده
دیدن خوب
